

تأثیر فقه بر نظام‌سازی تربیت اعتقادی با رویکرد به «مراحل» و «اصول و روش‌ها» و جایگاه حاکم*

□ کی‌پر عبدالله **

□ صدیقه‌محلجینی ***

چکیده

با توجه به جایگاه تربیت اعتقادی در تحقق تربیت دینی، نظام‌سازی تربیت اعتقادی یک امر ضروری محسوب می‌شود. دانش فقه، در طراحی نظام تربیت اعتقادی از طریق کشف و استنباط عناصر مختلف این نظام از جمله اهداف، اصول، مراحل و ساحات نقش بسزایی دارد. با نگاهی سیستمی به قواعد و تک‌گزاره‌های فقهی، خصوصاً فقه تربیتی می‌توان اجزای مختلف این نظام را استنباط و کشف نمود و به نظام‌سازی تربیت اعتقادی نائل آمد. مقاله حاضر با روش تحلیلی-توصیفی، با هدف نیل به نظام‌سازی تربیت اعتقادی، به استنتاج «مراحل» و «اصول و روش‌های» نظام تربیت اعتقادی پرداخته است. به علاوه با مراجعه به منابع فقهی می‌توان اصول کلی‌ای را کشف و استنتاج نمود که فعالیت مریی را در نظام تربیت اعتقادی راهبری می‌کند.
کلیدواژه‌ها: تربیت اعتقادی، نظام‌سازی تربیتی، مراحل نظام‌سازی تربیت اعتقادی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۲/۱۲؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۳/۳۰.

** استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه امام صادق * پردیس خواهران (نویسنده مسئول) (Pourabdollah_k@yahoo.com).

*** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی (Mohamadhasani600@yahoo.com).

(این مقاله از همایش فقه تربیت پردیس خواهران دانشگاه امام صادق * به مجله ارسال شده است).

مقدمه

تربیت اعتقادی مهم‌ترین ساحت تربیت دینی به شمار می‌رود؛ چنان‌که تحقق تربیت دینی از جمله در ساحاتی مانند تربیت عبادی و اخلاقی در گرو تحقق این نوع تربیت می‌باشد. نظام‌سازی دینی خصوصاً نظام‌سازی تربیتی مبتنی بر آموزه‌های دینی، در معرکه نظام‌های مختلف فکری و تربیتی ضروری است؛ وگرنه تربیت جامعه مسلمانان با الگوها و نظام‌های تربیتی برگرفته از تمدن غرب، عملاً در مسیر تحقق مبانی و اهداف تجدد و مدرنیته قدم برمی‌دارد (میرباقری، عبداللهی و نوروزی، ۱۳۹۵: ۶۶). در این راستا طراحی نظام تربیت اعتقادی از اولویت‌های نظام‌سازی تربیتی به شمار می‌رود و بی‌توجهی به این مقوله مهم، سبب شکل‌گیری تربیت مسلمانان مبتنی بر مبانی و اعتقادات نظام‌های غیردینی یا سکولار خواهد شد.

در راستای نظام‌سازی تربیتی از جمله در تربیت اعتقادی باید توجه داشت که نظام‌ها و نرم‌افزارهای تربیتی باید بر پایه اصول و ارزش‌های دینی طراحی و اجرا شود. دست‌یابی به یک نظام از جمله نظام تربیت اعتقادی، آن‌گاه می‌تواند مستند به دین باشد که با اصول و ضوابط مقنن به «حجیت شرعی» برسد و این امر هرچند ممکن است در سطوحی، با دانش‌های واسطه‌ای همراه باشد، اما جز از طریق فقاهت محقق نمی‌شود (میرباقری، عبداللهی و نوروزی، ۱۳۹۵: ۶۵).

با توجه به اهمیت نظام‌سازی تربیت اعتقادی، مسئله پژوهش حاضر، بررسی تأثیر و جایگاه فقه در نظام‌سازی تربیت اعتقادی و استنباط عناصر اصلی این نظام است. البته به علت ضیق مجال، صرفاً به ارزیابی تأثیر دانش فقه، در استنباط «مراحل» و «اصول و روش‌های» نظام تربیت اعتقادی می‌پردازد.

البته پس از نظام‌سازی تربیت اعتقادی، ضروری است حاکم جامعه اسلامی با راهبردی استراتژیک ورود نموده و به راهبری جامعه اسلامی مبتنی بر این نظام اهتمام ورزد. با این وجود ضرورت دخالت حاکم اسلامی، شرط مغفول همه نظام‌سازی‌ها از جمله نظام‌سازی فقهی در تربیت اعتقادی می‌باشد. لذا در پایان، پژوهش حاضر، به تبیین نقش حاکمیت اسلامی و ضرورت ورود حاکم در تحقق نظام‌سازی تربیت اعتقادی می‌پردازد.

تربیت اعتقادی

تربیت دینی به مفهوم شکوفاسازی دین در وجود انسان، دارای ساحات مختلفی از جمله جسمی، اخلاقی و اعتقادی است. تربیت اعتقادی از ساحات بنیادین تربیت دینی به شمار می‌رود؛ زیرا تدین بدون اعتقاد به عقاید بنیادین دین معنایی نخواهد داشت (داوودی، ۱۳۸۸: ۴۸).

الف. تعریف تربیت اعتقادی

«تربیت اعتقادی» عبارت است از: اقداماتی که برای انتقال اطلاعات و بینش‌افزایی و نیز ایجاد‌گرایش و شکل‌دهی باور و پذیرش قلبی در متربی، در حوزه اعتقادات صورت می‌گیرد. بنابراین تربیت اعتقادی فرآیند آموزش اعتقادات به متربی و مجموعه اقداماتی است که مربی برای شکل‌دهی نظام باورها، اقناع فکری، ایجاد بینش، گرایش و پذیرش قلبی و التزام درونی در متربی انجام می‌دهد (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۲: ۹). بنابراین تربیت اعتقادی فرآیندی است که طی آن، اعتقاد، ایمان و التزام به عقاید دین در ذهن و قلب نهادینه می‌شود و در زندگی واقعی بروز و ظهور می‌یابد.

مبنتی بر تعریف ارائه شده، باید توجه نمود که آموزش اعتقادات دینی، مقدمه بعیده در تحقق تربیت اعتقادی به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، تربیت اعتقادی دارای مفهومی فراتر از اکتفای صرف به آموزش اعتقادات دینی بوده و در صدد پرورش ایمان و

اعتقاد به آموزه‌های بنیادی دین و ایجاد روحیه دین‌داری، تقوا و درونی‌سازی اعتقادات دینی می‌باشد (اعرافی، دروس خارج فقه تربیت، ۱۳۸۸: ۱۶/۱۰).

ب. وجوب شرعی تربیت اعتقادی

احکام و جویی دائرمدار مصالح ملزمه در اتیان متعلق خود می‌باشند. از این منظر بینش‌افزایی و ایجاد گرایش در حوزه اعتقادات، دارای مصلحت ضروری و فارغ از مناقشه بوده و به وضوح می‌توان رأی به وجوب آن داد. در عین حال در ادله لفظی کتاب و سنت مواردی وجود دارد که به کمک آنها می‌توان وجوب تربیت اعتقادی را ثابت نمود. در ادامه به دو دلیل از مهم‌ترین ادله در این باره اشاره می‌شود:

۱. آیه ۶۶ سوره مبارکه تحریم (آیه وقایه)

ظهور امر «قوا» در وجوب، در کنار قراین موجود در این آیه شریفه، دلالت بر وجوب تربیت اعتقادی فرزندان توسط والدین دارد؛ به گونه‌ای که التزام به عقاید حقه دین را در فرزندان خود ایجاد نمایند؛ چرا که یکی از مصادیق «ما یوجب التار» این است: کسی که عقاید حقه را نپذیرفته و در زندگی خود به آنها ملتزم نباشد (اعرافی، ۱۳۸۸: ۲۲/۱۰). لذا این آیه شریفه، بر وجوب تربیت اعتقادی دلالتی تام و تمام دارد.

۲. روایت امام سجاد^x

روایت «وَأَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّیْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۵/۱۷۵)، از دیگر ادله وجوب تربیت اعتقادی به شمار می‌رود. اطلاق تعبیر «حَقُّ وِلْدَانِكَ» در کنار اطلاق «أَنَّكَ مَسْئُولٌ»، با مقدمات حکمت، موجب حمل بر وجوب می‌شود. لذا با توجه به عبارت «و الدلالة علی ربّه»، وجوب تربیت اعتقادی فرزندان توسط والدین استنباط می‌شود؛ به گونه‌ای که خداوند متعال را به مرتبی بشناساند و در باور او قرار دهد (اعرافی، موسوی، ۱۳۹۲: ۵۸). بر این اساس این روایت، صریح در وجوب تربیت اعتقادی است.

ج. متعلق حکم وجوب تربیت اعتقادی

در یک تقسیم‌بندی کلی، عقاید اسلامی به دو دسته تقسیم می‌شود: اصول بنیادی عقاید - مانند توحید و معاد - و تفصیل اصول عقاید - مانند تفصیل معاد از جمله اعتقاد به صراط و معاد جسمانی - . بر این اساس باید گفت: تربیت اعتقادی اختصاص به توحید و شرک ندارد و وجوب آموزش و ایجاد التزام به اعتقادات، نسبت به تمامی اعتقادات واجب، الغای خصوصیت می‌شوند. لذا تمامی عقاید حقه دین مبین اسلام از جمله اعتقادات واجب بنیادی و تفصیلی را شامل می‌شود. البته با توجه به جایگاه اصل توحید در نظام تفکر اسلامی، بدیهی است که حکم وجوب نسبت به تربیت توحیدی و ایجاد التزام و اعتقاد به ذات مقدس ربوبی بر سایر اعتقادات اولویت دارد؛ به نحوی که باید وجوب ایجاد التزام به سایر اعتقادات از جمله نبوت و امامت را متفرع بر ایجاد التزام به اصل توحید دانست (اعرافی، ۱۳۸۸: ۲۳/۱۰؛ مطهری، بی‌تا: ۲۲/۶۸). مبتنی بر مطالب فوق، در فرآیند تربیت اعتقادی، ایجاد اعتقاد و التزام نسبت به اصول اساسی دین خصوصاً اصل توحید، البته با لحاظ رشد شناختی و بینشی مرتبی، اولویت دارد.

تأثیر فقه در نظام‌سازی تربیت اعتقادی

در راستای تبیین تأثیر فقه بر نظام‌سازی تربیت اعتقادی فرزندان و شیوه کشف اصول و مراحل این نظام تربیتی از منابع معتبر فقهی، ضروری است مقدمات تعریف دقیقی از چند کلیدواژه ارائه شود:

• نظام

نظام در اصطلاح عبارت است از: مجموعه اجزای مرتبط و به هم پیوسته که مرکب واحدی را تشکیل می‌دهند و هدف مشخصی را دنبال می‌کنند؛ به گونه‌ای که اگر در یک جزء آن خللی وارد شود، همه اجزا از کار می‌افتند و اثر خود را از دست می‌دهند (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵: ۴۱۰).

از این منظر در اسلام، مکتب یا همان نظام اجتماعی منظومه‌ای است که زیربنای احکام اجتماعی است. غیر از این احکام، لایه‌های دیگری از نظریات و قواعد عمومی قابل استناد به شریعت وجود دارد که دارای نظم و نسق و انتظام خاصی بوده و قطعات یک جدول به شمار می‌روند؛ به گونه‌ای که یک «کل» و یک بسته پیشنهادی را در عرصه تربیت، سیاست، فرهنگ و غیره شکل می‌دهند و با سایر نظام‌های اجتماعی اسلام نیز ارتباط دارند (صدر، ۱۴۰۷: ۲۵۴).

مبنتی بر مطالب فوق، نظام تربیت اعتقادی، مجموعه‌ای از اجزا و عناصر مختلف است که در کمال هماهنگی و نظم، هدفی واحد یعنی تحقق ایمان و اعتقاد در قلب و ذهن انسان را دنبال می‌کند.

• نظام‌سازی

نظام‌سازی عبارت است از: طراحی و ایجاد مجموعه‌ای از زیرساخت‌ها، سازوکارها، روندها، ساختارها و نهادها که حرکت بر مبنای اصول برای تحقق آرمان‌ها را سازماندهی و در نهایت تضمین می‌کند (عینی‌زاده و مؤذب، ۱۳۹۶: ۱۵۵).

نظام‌سازی فقهی عبارت است از «کشف، ساخت و پرداخت نظام‌ها، چارچوب‌ها و ساختارهای منظم و منسجم تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و غیره، مبتنی بر قوانین استنباط شده الهی در علم فقه، برای تنظیم و سامان‌بخشی ابعاد گوناگون زندگی انسان و جامعه انسانی و جهت‌دهی به بشر در راستای تقرب به خداوند و دست‌یابی به خوشبختی و سعادت دنیوی و اخروی» (ملک‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۲/۲۵).

مبنتی بر مطالب فوق، طراحی یک «نظام» از جمله یک «نظام فقهی»، از طریق تعمیق و تدقیق در متون دینی و نصوص و فتاوی فقهی صورت پذیرفته و به کمک خطابات شارع و فروعات فقهی می‌توان به مبانی و مفاهیم مورد نیاز دست یافت. در این راستا می‌بایست با راهبردی اکتشافی از سرشاخه‌ها به سوی ریشه‌ها حرکت کرد. برای مثال: عدالت اجتماعی و نفی طبقات اقتصادی از جمله مواردی هستند که در احکام فقهی به آنها تصریح نشده است؛ بلکه از خلال تحلیل و بررسی مجموعه نصوص و فتاوا استنباط می‌شوند (میرباقری، عبداللهی و نوروزی، ۱۳۹۵: ۷۱).

مبنتی بر مطالب فوق، در نظام‌سازی تربیت اعتقادی، از طریق تدقیق و واکاوی مجتهدانه متون فقهی و اکتشاف و استنباط زیرساخت‌ها و مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها، به دنبال کشف، ساخت و پرداخت نظام‌ها، چارچوب‌ها و ساختارهای منظم و منسجم در تربیت اعتقادی است.

• نظام تربیتی

نظام تربیتی متشکل از عناصر و عوامل متعددی است که در مجموع، نظام واحدی را پدید می‌آورند. در عین حال که هر یک از عناصر نظام تربیتی، جایگاه و اثر خاص خود را دارد مجموع آنها به عنوان واحد مرکب، هدف تربیت انسان را دنبال می‌نمایند؛ چنان‌که اگر یکی از آن عناصر به لحاظ نظری یا عملی به درستی استخراج و اجرا نگردد، کل دستگاه تربیت و پرورش انسانی دست‌خوش تزلزل شده و به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. گفتنی است که عناصر اصلی هر نظام از جمله نظام تربیتی عبارتند از: مبانی، اهداف، ساحات، مراحل، اصول و روش‌ها (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). قواعد کلی تربیتی به کمک تبیین اهداف، اصول، مبانی،

روش‌ها و مراحل تربیت در بستر منابع احکام و آرای فقهی و از طریق بررسی مجتهدانه فراقه‌ی و سیستمی قابل استخراج می‌باشد.

• نظام‌سازی تربیتی

نظام‌سازی تربیتی عبارت است از: کشف اهداف، اصول، مبانی، روش‌ها و مراحل تربیت از طریق توجه و بررسی فقیهانه احکام فقهی (رزاقی، ۱۳۸۱: ۴۳). به بیان دیگر، نظام‌سازی تربیتی به مفهوم دستیابی به قواعد کلی و تئوری‌های کلان تربیتی، پس از استخراج مجتهدانه گزاره‌های فقهی تربیتی و کشف پیوند موجود میان این گزاره‌ها است (اعرافی، همان: ۱۷/۱۲). لذا نظام‌سازی تربیتی از طریق استنباط و انکشاف اجزای نظام تربیتی و نیل به قواعد کلی تربیتی از طریق تحلیل نظام‌های تربیتی محقق خواهد شد.

• مراحل نظام تربیتی

تربیت، فرآیندی است که می‌توان برای آن مقاطع و مراحل مختلفی را پیش‌بینی نمود. طراحی و معرفی مراحل مختلف فرآیند تربیت از اولویت‌های یک نظام تربیتی است؛ زیرا شناخت دقیق این فرآیند در گرو شناخت دقیق این مراحل می‌باشد (اعرافی، ۱۳۶۵: ۱۲۳). بر این اساس، مراحل یک نظام تربیتی، مرحله‌ای هستند که با توجه به مقاطع سنی مختلف متریان و با لحاظ انواع مختلف رشد از جمله رشد شناختی، جسمی و ادراکی در هر بازه زمانی طراحی شدند تا با لحاظ امکانات و مقدمات متربی، هدف تربیتی مورد نظر محقق شود.

• اصول نظام تربیتی

ارائه تعریفی نسبتاً جامع از اصل تربیتی، مبتنی بر شناخت روابط موجود میان عناصر تشکیل‌دهنده نظام تربیتی است. «اصل» دارای ماهیتی هنجاری و ناظر به «بایدها» می‌باشد؛ از این جهت با «مبنا» که خود منشأ اشتقاق اصل است و ماهیتی کاملاً توصیفی دارد و ناظر به «هست‌ها» است، متفاوت است (باقری، ۱۳۶۸: ۶۷). از طرف دیگر اصل با هدف نیز نمی‌تواند یکی باشد؛ چرا که ابزاری برای نیل به آن «هدف» قلمداد می‌گردد. همچنین اصل، یک ابزار و معیار کلی برای گزینش روش‌های گوناگون است؛ از این رو نمی‌تواند همان روش باشد؛ بلکه راهنمایی برای انتخاب روش‌های تربیت قلمداد می‌شود (شریعت‌مداری، ۱۳۶۷: ۱۱). به عبارت دیگر، اصل عبارت است از: «سلسله قواعد و معیارهای کلی‌ای که متناسب با ظرفیت‌های انسان انتخاب می‌شوند و به منظور تعیین روش‌های تربیتی برای دستیابی به اهداف، مورد توجه قرار می‌گیرند (مشایخی، ۱۳۸۱: ۵۲).

کشف و استنتاج اصول تربیتی از فقه با دو روش امکان‌پذیر است: نخست آن‌که در میان بایدهای عمومی فقه (قواعد فقهیه)، به دنبال اصول تربیتی باشیم. دوم آن‌که با کنار هم چیدن تک‌گزاره‌های فقهی در موضوعات متفاوت حول یک موضوع می‌توان به یک باید عمومی و پشت پرده و البته از سنخ اصول دست یافت. برخی از اصول استقرایی نظام تربیتی از گزاره‌های فقهی عبارتند از: اصل رعایت موازین شرعی در فرآیند تربیت، قاعده نظرداشت توانایی و قدرت مکلف، اصل تخفیف و مسامحه، اصل طراحی جایگزین‌ها به جای موارد ممنوع شرعی (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱۲۵ و ۱۲۶).

بنابراین اصول نظام تربیتی، مجموعه‌ای از قواعد و معیارهای کلی‌ای است که با واکاوی مجتهدانه و فراقه‌ی متون فقهی، متناسب با مقدمات و امکانات متربی با هدف تحقق اهداف یک نظام تربیتی طراحی شده‌اند.

مبنتی بر مطالب فوق در نظام‌سازی تربیت اعتقادی به بررسی احکام فقهی، به عنوان رو‌بناهای شریعت پرداخته می‌شود؛ تا

از این طریق بتوان به قواعدی بنیادین، به مثابه زیربنای احکام دست یافت؛ تا در نهایت به کشف یک نظام تربیت اعتقادی بینجامد (اعرافی، ۱۳۹۳: ۷/۹). نکته حائز اهمیت این است که منطق ما در حرکت به سوی این لایه‌های عمیق، منطق استقرایی است. این استقرائات غالباً ناقص هستند (همان).

الف. تأثیر فقه بر مراحل تربیت اعتقادی

فقه اسلامی برای تربیت اعتقادی مکلفان، مراحل و مقاطع سنی مختلفی معرفی نموده است. بر این اساس فقه می‌تواند در تعیین و طراحی مراحل مختلف تربیت اعتقادی در راستای نظام‌سازی این حوزه تأثیرگذار باشد. برای مثال از تأکید فقه بر سن و مقطعی خاص، می‌توان اهمیت آن مرحله را در تحقق تربیت اعتقادی احراز نمود (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

در اثبات مطلب فوق و امکان استنباط مراحل نظام تربیت اعتقادی می‌توان به روایت «عبدالله ابن فضاله» استدلال نمود. در این روایت از امام باقر و امام صادق^ع چنین نقل شده است: «وقتی پسر به سه سالگی رسید به او بیاموزند که هفت مرتبه بگوید: «لا اله الا الله». پس او را آزاد گذارند تا سن او به سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد. آن‌گاه به او آموزش دهند که هفت مرتبه بگوید: «محمد رسول الله». و چون به سن چهار سالگی رسید به او هفت بار تلقین کنند که «صلی الله علی محمد و آل محمد». وقتی به پنج سالگی رسید نماز و قبله را به او یاد دهند» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۷۴/۲۱).

با دقت و اعمال قراین لَبّی و مناسبات حکم و موضوع، می‌توان از این روایت مراحل رشد دین‌داری و مرحله‌مند بودن تربیت اعتقادی را استنباط نمود. چنان‌که مبتنی بر این روایت، تربیت اعتقادی از سه سال آغاز شده و پس از توحید، نبوت را مد نظر قرار داده و آنگاه به التزامات آن مانند صلوات پرداخته و نهایتاً تربیت عبادی طفل را در سن پنج سالگی شروع می‌نماید (اعرافی، ۱۳۸۸: ۱۰/۲۳).

با بررسی سیستمی و مجتهدانه در منابع، ابواب و گزاره‌های فقهی می‌توان پنج مرحله را برای تربیت اعتقادی استخراج و استنباط نمود. این مراحل عبارتند از: تمهید (پیش از تولد)، تولد تا سن تمییز، تمییز، رشد و بلوغ و مرحله پس از رشد (بناری، ۱۳۸۳: ۱۴۳ - ۱۶۵).

مرحله تمهید (پیش از تولد)

در مقطع زمانی پیش از تولد، احکام مختلفی از جمله انتخاب همسر و آداب نزدیکی تشریح شده است که تحقق تربیت اعتقادی را مورد توجه قرار داده‌اند. (موسوی خمینی، بی‌تا: ۳۷۸/۲). کمیت و کیفیت این احکام به گونه‌ای است که می‌توان مرحله‌ای با عنوان «مرحله تمهید یا پیش از تولد» را در زمره مراحل نظام تربیت اعتقادی استنباط نمود.

برای مثال: در فقه امامیه کفر از موانع نکاح به شمار می‌رود (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۷/۳۰). لذا نکاح زن و مرد مسلمان با مشرکین، حرام و از حیث حکم وضعی، باطل محسوب می‌شود؛ زیرا این نوع ازدواج در تربیت و پرورش نسل، خصوصاً تربیت اعتقادی و گسترش جامعه مسلمانان تأثیر سوئی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳۳/۲ و ۱۳۴). لزوم انتخاب زن مؤمن، عقیف و کریم‌الاصول به عنوان همسر و کراهت انتخاب زانیه یا شخص فاسق (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۷/۷)، از نمونه‌های دیگری است که در تربیت اعتقادی فرزند، نقش تمهیدی دارند.

مرحله تولد تا سن تمییز

دین اسلام در مواضع مختلف به تأثیر شیر مادر در شخصیت کودک هشدار داده و احکام مختلفی در این باره تشریح نموده است. چنان‌که مستحب است زنی مسلمان، مؤمن و عاقل برای رضاع طفل انتخاب شود و از انتخاب زن کافر، زانیه و امثال آن نهی شده است (سبزواری،

۱۴۱۳: ۵۳/۲۵). مثال دیگر: لزوم «اسلام» حاضن از منظر فقه امامیه است؛ چرا که در مصاحبت و تربیت کافر، خوف ضلالت و گمراهی طفل و خدشه در ایمان و اعتقادات او وجود دارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸۷/۳۱). از این احکام و سایر تشریحات فقهی مشابه که مربوط به زمان تولد تا سن تمییز طفل هستند می‌توان مرحله «تولد تا سن تمییز» را در مراحل مختلف نظام تربیت اعتقادی استنباط نمود.

مرحله تمییز

در مرحله تمییز که کودک خوبی را از بدی تشخیص می‌دهد و آمادگی بیشتری برای آشنایی عملی با احکام و دستور دینی پیدا می‌کند، فعالیت‌های زمینه‌ساز برای مرحله بلوغ سفارش شده است (بناری، ۱۳۹۴: ۱۳۹). روایت «عبدالله بن فضاله» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۴۷۴/۲۱)، که در صدر بحث بدان اشاره شد، به روشنی به بیان تکالیفی در باب تربیت اعتقادی طفل پس از رسیدن به سن تمییز می‌پردازد. با این ترتیب که تربیت اعتقادی از سه سالگی آغاز شده و از توحید به نبوت و بعد هم به التزامات آن مانند صلوات می‌رسد و سپس تربیت عبادی طفل را در پنج‌سالگی شروع می‌نماید (اعرافی، ۱۳۸۸: ۱۰/۲۳). باید توجه نمود که کودک با تمرین نماز و انس با عبادات و تقویت‌های معنوی در شرایط مناسبی برای توجه به خالق هستی و لزوم اطاعت از او و فرستادگانش قرار می‌گیرد.

به علاوه روایاتی وجود دارد که والدین را ملزم می‌نماید تا الفاظ «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» را در کودکی به فرزندان خود بیاموزند. مثلاً پیامبر اکرم می‌فرماید: «وقتی کودکان زبان گشودند لا اله الا الله را به آنان بیاموزید، سپس نگران نباشید تا به سن پیری و مرگ برسند و زمانی که دندان شیری آنان افتاد آنان را به نماز امر نمایید» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۶/۴۴۰). این دسته از روایات اگرچه در مصادر اهل سنت بیان شده و دارای ضعف سند هستند؛ اما به وضوح تربیت اعتقادی فرزندان در سنین تمییز را تأیید می‌نمایند و روشن است که انباشت مؤیدات، در اثبات مدعا راهگشاست (اعرافی، موسوی، ۱۳۹۲: ۶۰).

بر این اساس می‌توان با مراجعه به این دست از روایات نیز لزوم اقدام به تربیت اعتقادی در سنین تمییز را اثبات کرد و «مرحله تمییز» را به عنوان سومین مرحله از مراحل نظام تربیت اعتقادی استنباط نمود.

مرحله رشد و بلوغ

دوران بلوغ، مرحله ویژه‌ای در زندگی انسان محسوب می‌شود «وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدْبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ وَ يَشْتَغَلَ لُبُّكَ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۴/۲۰۰). حال با توجه به اینکه در این دوران عقل آدمی به حد مطلوبی از کمال خواهد رسید (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۸/۲۶)؛ ضروری است والدین در این دوران، بر ایجاد التزام در فرزند خود به مبانی اعتقادی خصوصاً اصل توحید اهتمام ویژه‌ای داشته باشند. لذا والدین باید به آموزش استدلالی عقاید به فرزند خود بپردازند (انصاری شیرازی، ۱۴۲۹: ۳/۳۷۰؛ موسوی، ۱۳۹۱: ۹۶).

حرمت نشر، تعلیم و نگهداری کتب ضاله و حرمت تعلیم علوم محرمة مانند سحر (نجفی، ۱۴۰۴: ۵۶/۲۲) از جمله احکام فقهی‌ای است که با تمسک به آنها می‌توان مرحله رشد و بلوغ را در زمره مراحل نظام تربیت اعتقادی استنتاج نمود؛ چون معمولاً متربی در این سنین، اوج زمان تعلیم و یادگیری خود را سپری می‌کند. لذا ضروری است تا مریبان با نظارت دقیق بر محتوای آموزشی متربی، از تعلیم اموری که اعتقادات او را در معرض آسیب قرار می‌دهد جلوگیری نمایند. از مجموعه این احکام، مرحله رشد و بلوغ به عنوان سومین مرحله از مراحل نظام تربیت اعتقادی، از منابع فقهی، قابل استنتاج است.

مرحله پس از رشد

بررسی‌ها نشان می‌دهد که حداقل بخشی از ادله موجود در بحث تربیت اعتقادی، اطلاق داشته و اختصاص به سن خاصی از رشد ندارد.

چنان‌که در آیه کریمه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا»، واژه «اهل» اطلاق دارد. لذا به دلیل صدق «اهل» بر فرزند بزرگسال، وجوب صیانت از اهل در برابر آتش، اختصاص به سن خاصی ندارد و تمامی سنین را در بر می‌گیرد (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۳: ۶۵).

به علاوه بسیاری از وصایای انبیا و اوصیای الهی به فرزندان خود نسبت به التزام به امر توحید و سایر مبانی اعتقادی در سنین کمال فرزندان آنان واقع شده است (نهج البلاغه: نامه ۳۱؛ بقره: ۱۳۳). از مجموعه ادله مذکور استنباط می‌شود که تکلیف والدین به تربیت اعتقادی با رشد فرزند ساقط نخواهد شد. بلکه این تکلیف در مرحله جدیدی پس از رشد و در سنین کمال ادامه خواهد یافت. لذا می‌توان مرحله جدیدی را در راستای نظام‌سازی تربیت اعتقادی فرزند استنباط نمود (اعرافی، ۱۳۸۸: ۱۰/۲۹).

بنابراین در نظام تفکری اسلام، تربیت اعتقادی انسان، محدود به سنی خاص نبوده و در سال‌های رشد و کمال وی نیز ادامه دارد و به دنبال رشد و ارتقای نظام بینشی و اعتقادی انسان است.

ب. تأثیر فقه بر اصول و روش‌های تربیت اعتقادی
باید‌های فقهی در چند سطح می‌توانند بر اصول تربیت اعتقادی تأثیرگذار باشند:

۱. کشف و پیشنهاد اصول تربیتی نوین؛

۲. اصلاح و تکمیل اصول موجود؛

۳. ابطال یا تأیید اصول موجود تربیت اعتقادی (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱۲۵). لذا در راستای کشف و پیشنهاد، اصلاح و تکمیل یا تأیید و ابطال اصول تربیت اعتقادی، ضروری است به بررسی مجتهدانه قواعد فقهی به مثابه باید‌های عمومی فقه و تک‌گزاره‌های فقهی پرداخت. در ادامه به بررسی چند اصل تربیت اعتقادی که از فقه قابل استنباط است اشاره می‌شود:

یکم. اصل نظر داشت توانایی و قدرت مکلفان در تربیت اعتقادی

در ابواب مختلف فقهی، در تک‌گزاره‌های فقهی متعدد از مفاد و محتوای لزوم رعایت توان متربی سخن به میان آمده است. این کثرت تا حدی است که می‌توان «اصل لزوم نظر داشت توان متربی» را از متون فقهی استنباط نمود (طرقی‌اردکانی، کاظمی، ۱۳۹۴: ۲۶). وجه اشتراک اقوال فقها در تمامی این احکام، اشتراط و اعتبار اصل رعایت توان متربی و لحاظ شرایط سنی مخاطب است. لذا در مواردی که مکلف، توان بدنی یا ادراکی لازم برای انجام یک واجب شرعی را نداشته باشد، آن حکم از او برداشته می‌شود. بر اساس مطالب فوق باید ادعا نمود که اصل لزوم نظر داشت توان متربی، یک اصل تربیتی محسوب می‌شود که از احکام و قواعد فقهی به خوبی قابل استنتاج است؛ چرا که قطع به یقین در به کارگیری اقدامات تربیتی نیز باید توان مخاطب لحاظ گردد. اصل «رعایت توان متربی» از اصول بنیادی فقه تربیتی و حاکم بر چندین اصل تربیتی دیگر است. این اصل در نظام‌مندسازی روش‌ها و اقدامات تربیتی، نقش بسزایی ایفا می‌کند؛ زیرا مفروض آن است که متربی به عنوان موجود دارای پیچیدگی‌های روحی و ادراکی، از بینش‌ها و نگرش‌های مختلف و توانش‌های بدنی، ذهنی و عاطفی متفاوت با دیگران برخوردار است. لذا تفاوت متربیان به لحاظ توان و استعداد، بر کیفیت برنامه‌ریزی و سازماندهی اقدامات تربیتی و اتخاذ روش‌های متناسب اثرگذار است (همان).

به مقتضای بحث و با توجه به اینکه تربیت اعتقادی یکی از ساحت‌های تربیت دینی است، باید گفت: اصل «لزوم نظر داشت توان و وسع متربی» به عنوان یکی از اصول نظام تربیت اعتقادی، قابل استنتاج از متون فقهی است. طبق این اصل، تکلیف مطلق نسبت به تربیت اعتقادی نیز به قدرت و امکان ادای تکلیف مقید شده است. لذا وجوب تربیت اعتقادی نیز مقید به توان و ظرفیت مکلفان و با لحاظ مراحل رشد و آمادگی در متربی می‌باشد؛ زیرا همان‌گونه که رشد جسمی انسان‌ها تابع قانون است و از مسیر

مشخصی عبور می‌کند؛ رشد عقلی، ذهنی و عاطفی انسان نیز از این قاعده مستثنا نیست و بدون شک القای مطالب آموزشی و اعتقادی بدون در نظر داشتن توان فکری متربی نتیجه‌بخش نخواهد بود.

برای مثال: پیش از سه، چهارسالگی، که قدرت درک مستقیم و استدلالی اعتقادات در طفل موجود نیست؛ تکلیفی به آموزش استدلالی عقاید وجود ندارد (اعرافی، ۱۳۸۸: ۲۹/۱۰). به علاوه از مفاد روایاتی «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ * قَالَ: تَكَلَّمُوا فِيمَا دُونَ الْعَرْشِ وَلَا تَكَلَّمُوا فِيمَا فَوْقَ الْعَرْشِ فَإِنَّ قَوْمًا تَكَلَّمُوا فِي اللَّهِ فَتَاهُوا (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۶/۱۹۸) - لَا يُدْرِكُهُ بَعْدُ الْهَمَمُ وَلَا يَنَالُهُ غَوْضُ الْفِطْنِ» (خطبه ۱ نهج البلاغه) که از تفکر درباره ذات الهی منع نموده‌اند، اصل رعایت توان مکلفان در تربیت اعتقادی قابل استنباط است؛ چرا که با لحاظ توان و وسع فکری و عقلی مکلفان، آحاد مسلمین به تفکر در ذات الهی امر نشده‌اند بلکه شارع با لحاظ همین امکانات و مقدرات عقلی و ادراکی، آنها را از تفکر در کنه ذات الهی منع نموده است.

دوم. اصل تخفیف و مسامحه در فرآیند تربیت اعتقادی

روایات فراوانی صراحتاً دلالت دارند که طریق شارع مقدس مبتنی بر شریعت «سهله و سمحه» است. یکی از مشهورترین این روایات، روایتی از پیامبر اکرم است که فرمود: «بَعَثْتُ بِالْحَنِيفَةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۰۳/۳۰۳). تعبیر رسول گرامی اسلام در این حدیث با عبارت «بعثت» گویای معرفی نوعی شریعتی است که با داشتن امتیاز تساهل و تسامح، بر شرایع دیگر برتری دارد.

بر همین اساس فقهای امامیه در شمار بسیاری از استنباطات احکام فقهی، به ابتدای شریعت مقدس اسلام بر سهله و سمحه استناد نموده‌اند. برای مثال در مورد اعمال گذشته فردی که به مذهب شیعه اثناعشری روی آورده، فقهای شیعه قائل به صحت اعمال گذشته از جمله نمازهای وی هستند (اردبیلی، ۱۳۶۲: ۳/۲۱۳). به علاوه قاعده درء در حدود (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۱۱۸) و اصل حلیت (نجفی، ۱۴۰۴: ۱/۲۹۵) تنها نمونه‌هایی از احکام و قواعدی هستند که بر پایه همین اصل اساسی شکل گرفته‌اند. لذا می‌توان اصل تسامح و تساهل را به عنوان یک اصل در نظام تربیت اسلامی و از جمله تربیت اعتقادی استنباط نمود. طبق مفاد اصل یادشده در نظام تربیت اسلامی، ضروری است که در هر حرکت تربیتی راه‌های آسان به روی متربی گشوده شود تا میل و رغبت به رفتن فراهم گردد و با متربی از سر ملایمت و مدارا رفتار شود تا به مقصود دست یابد (رفسنجانی مقدم و محمدیان، ۱۳۹۵: ۹۷ و ۹۸).

در نظام تربیت اعتقادی نیز اصل تساهل و تسامح از فقه تربیتی قابل استنباط می‌باشد. چنان‌که از روایت «عبدالله ابن فضاله» که پیش‌تر بدان اشاره شد، لزوم رعایت اصل تخفیف و مسامحه به روشنی استنباط می‌شود. از عبارت «یترک» در این روایت چنین برداشت می‌شود که در فرآیند تربیت اعتقادی لازم است با نهایت لطافت و ظرافت برخورد نمود و نباید به اکراه و اجبار متوسل شد (اعرافی، ۱۳۸۸: ۲۹/۱۰).

سوم. اصل رعایت موازین شرعی در فرآیند تربیت اعتقادی

رعایت موازین شرعی و مخالفت نکردن با آن از جمله اصولی است که در مواضع و مباحث مختلف فقهی مورد توجه شارع مقدس بوده است. تمامی موضوعات و قیود احکام در چارچوب مقررات و ملاکات شرعی تشریح شده است. لذا رفتار تمام مکلفان از جمله حاکم، وصی، ولی قهری و معلم، مشروط به رعایت موازین شرعی است. برای مثال، موصی حق ندارد نسبت به امر نامشروع وصیت نماید و چنین وصیتی از اساس باطل است (موسوی خمینی، بی‌تا: ۹۷/۲). بنابراین اگر موصی وصیت کند

که اموال فرزند صغیرش در راه تهیه و توزیع مشروبات الکلی صرف شود؛ قطعاً چنین وصیتی باطل بوده و وصی هم حق اجرای مفاد وصیت را نخواهد داشت (قافی، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

بر این اساس ضروری است تمامی اقدامات مربی در فرآیند تربیت نیز ضرورتاً در چارچوب مقررات و موازین شرعی صورت گیرد. طبق این اصل، مربی مکلف است در تمام مراحل تربیت اعتقادی موازین شرعی را رعایت نماید؛ چنان‌که اتخاذ شیوه‌های گمراه‌کننده در تربیت اعتقادی فرزندان، حرام است. اطمینان به مخرب بودن روش، به گونه‌ای که موجب گمراهی و ضلالت مربی گردد؛ موجب حرمت به کارگیری آن روش می‌شود (اعرافی، ۱۳۸۸: ۱۰/۲۹).

وچوب پرهیز از احادیث جعلی، حرمت دروغ بستن به خداوند، پیامبر و ائمه معصومین (یزدی، ۱۴۱۵: ۱۴۷/۴)، وچوب اجتناب از اوهام، حرمت شرعی مؤکد غلو کردن یعنی تجاوز از حد واقعی در اعتقادات (مشکینی، بی‌تا، ص ۳۵)، حرمت سوءظن به خداوند متعال (همان: ۳۴)، حرمت توطن در اماکنی که سبب تأثیر سوء بر اعتقادات انسان می‌شود (همان، ص ۳۶) تنها نمونه‌هایی هستند که می‌توان از آنها اصل «رعایت مقررات و موازین شرعی در فرآیند تربیت اعتقادی» را استنتاج نمود. با توجه به مطالب فوق، تأثیر فقه در استنباط و استنتاج عناصر مختلف نظام تربیت اعتقادی از جمله در «مراحل» و «اصول و روش‌ها» روشن می‌شود؛ زیرا با بررسی مجتهدانه قواعد فقهیه و تک‌گزاره‌های فقهی به عنوان روناهای شریعت، می‌توان به عناصر مختلف نظام تربیت اعتقادی از جمله اصول و مراحل این نظام دست یافت و به هدف نظام‌سازی تربیت اعتقادی نائل شد.

ضرورت دخالت حاکم اسلامی در تحقق نظام‌سازی تربیت اعتقادی

وقتی نخبگان، علما و فقها با تشریک مساعی، موفق به کشف، ساخت و پرداخت تمامی نظام‌های مورد نیاز امت بر اساس تعالیم اسلامی و معارف الهی گردند و همه اجزا و عناصر کشور و جامعه مسلمین به صورت نظام‌مند و سیستماتیک در چارچوب همین نظام‌ها سامان یابند، اداره شوند و فعالیت کنند، همچنان یابد، کل نظام‌های اسلامی و فقهی به هدف عالی، نهایی و غایی خویش دست یابند، آن‌گاه هنگامه «حاکمیت تمام‌عیار و همه‌جانبه اسلام» و زمان نیل به هدف غایی مجموع نظام‌های اسلامی و فقهی، من حیث المجموع، خواهد بود (ملک‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲/۲۵).

اما اگر برای کشف و اجرای نظام مبتنی بر شریعت اسلامی، خصوصاً در بحث تربیت اعتقادی و با یک راهبرد استراتژیک اقدام نشود، جامعه متوقف نمی‌شود بلکه در چارچوب سیستم‌های دیگر، مانند سیستم‌های غربی به کار خود ادامه می‌دهد و سیستم فکری غیر اسلامی جایگزین عقاید، بینش و نگرش اسلامی خواهد شد. لذا به خوبی روشن می‌شود که پس از نظام‌سازی، از جمله در بحث تربیت اعتقادی، ضروری است حاکم اسلامی با مدیران و مدیریت استراتژیک به راهبری جامعه مبنی بر نظام تربیت اعتقادی اقدام نماید؛ چراکه تحقق این هدف از قدرت و توان آحاد جامعه مسلمانان خارج است.

حال پس از آنکه اجزای مختلف نظام تربیت اعتقادی از جمله «مراحل» و «اصول و روش‌ها» از منابع اصیل فقهی استنباط شد و به نظام‌سازی تربیت اعتقادی، نائل آمدیم، ضروری است این نظام در جامعه اسلامی پیاده‌سازی و اجرا شود؛ تا غایت قصوای نظام تربیت اعتقادی تحقق یابد؛ یعنی باورهای راستین اسلامی در عقل و قلب انسان نهادینه شود، به نحوی که این اعتقادات در زندگی واقعی مسلمانان بروز و ظهور یابد و حیات طیبه در جامعه اسلامی محقق شود.

بدیهی است که اجرای این نظام در سطح کلان جامعه مستلزم ورود و اقدام حاکم اسلامی است. در این راستا حاکمیت جامعه

اسلامی موظف است از طریق طراحی برنامه‌های کلان و راهبردی از جمله بسترسازی‌های فرهنگی و اجتماعی، قانون‌گذاری ماهوی و شکلی و وضع ضمانت اجراهای مناسب و مؤثر و استفاده از مدیران استراتژیک، اجزای مختلف نظام تربیت اعتقادی را محقق نموده و جامعه را بر این اساس اداره و راهبری نماید.

۱. جایگاه ورود حاکم در تحقق مراحل نظام تربیت اعتقادی

کثرت تشریحات فقهی، به روشنی نظرداشت شارع را در مورد اهمیت و ضرورت هر یک از مراحل نظام تربیت اعتقادی نشان می‌دهد. لذا در اجرای این نظام در سطح جامعه، ضروری است هر یک از این مراحل، با تمام ظرافت‌های خود در قوانین ماهوی منعکس شده و ساز و کارها و تضمین‌های مناسب و مؤثر در این راستا تشریح شود. به علاوه در اسناد راهبردی و کلان جامعه مانند برنامه‌های توسعه، به بسترسازی فرهنگی، اجتماعی و آموزشی این مراحل اقدام نموده و منابع مالی و انسانی کافی برای تحقق آن پیش‌بینی شود.

گفتنی است که در برخی موارد به مراحل تربیت اعتقادی و انعکاس آن در قوانین شکلی و ماهوی توجه شده است. برای مثال در ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی، نکاح زن مسلمان، با مرد غیرمسلمان ممنوع می‌باشد. اما راهبری جامعه اسلامی مبتنی بر نظام تربیت اعتقادی، همچنان با خلأهای قانونی و اجرایی روبه‌رو بوده و نیازمند حضور فعالانه حاکمیت اسلامی در تحقق مراحل نظام تربیت اعتقادی است.

مثال تأسیس بانک‌های شیر به خوبی ضرورت ورود حاکم را تبیین می‌کند. توجه به تأثیرات شیر مادر در حفظ سلامتی نوزادان سبب شد تا نهادهایی با عنوان بانک شیر در کشور تأسیس و گسترش یابند. اما خطری که در این راستا نباید از آن غافل شد مجهول بودن وضعیت اعتقادی زنانی است که شیر خود را به بانک‌های شیر اعطا می‌کنند. لذا ضروری است ساز و کار مناسب قانون‌گذاری و اجرایی در تشخیص صلاحیت اعتقادی و اخلاقی زنان اعطاکننده شیر فراهم شود. حتی در راستای تأمین مراحل تربیت اعتقادی شاید بتوان احیای نظام دایگی را در قالب این بانک‌ها روش بهتری در تأمین هدف مورد نظر دانست؛ زیرا سرپرستان نوزاد با لحاظ تمام اطلاعات و شناخت کامل از زن اعطاکننده شیر، می‌توانند شیر مورد نیاز نوزاد خود را تأمین نمایند. در حقیقت تغذیه طفل با شیر مادر تربیت جسمی را تضمین می‌نماید، اما در عین حال نباید از تربیت اعتقادی طفل در این مرحله نیز غافل شد؛ هرچند لحاظ این نوع تربیت نیز نیازمند ورود حاکم و تأمین زیرساخت‌های قانونی و اجرایی آن است.

بنابراین کاملاً روشن است که تحقق و تأمین مراحل تربیت اعتقادی، از طرفی مانند وضع قوانین و فراهم‌سازی زیرساخت‌های مالی و انسانی، تنها در حیطه اختیارات حاکم اسلامی قرار دارد.

۲. جایگاه حاکم در تحقق اصول نظام تربیت اعتقادی

ورود حاکمیت در اجرای اصول نظام تربیت اعتقادی نیز از ضروریات راهبری جامعه اسلامی مبتنی بر نظام تربیت اعتقادی است.

الف. جایگاه حکومت اسلامی در اجرای اصل نظرداشت توان و وسع متریبان

اصل لزوم نظرداشت توان متریبی، مفهومی مشکک بوده و از نوع عام مجموعی محسوب نمی‌شود؛ زیرا متریبان به عنوان موجود انسانی از استعداد و توانایی‌های ذهنی، عقلی و ادراکی مختلفی برخوردارند و ضروری است تفاوت متریبان به لحاظ توان و استعداد، در برنامه‌ریزی و سازماندهی اقدامات تربیتی در سطوح مختلف آموزشی و بینشی مورد توجه قرار گیرد. یکی از اقدامات مؤثر در اجرای این اصل، آزمون توانایی‌های متریبان از حیث درک، عقل و هوش است تا بدین ترتیب با لحاظ مقدر هر یک از

مکلفان، برنامه تربیت اعتقادی متناسب برای آحاد مختلف متریان فراهم و پی‌ریزی شود. بدیهی است که تحقق این امر از توان و اختیار والدین و مربیان معمول خارج بوده و در حدود اختیارات حاکم اسلامی است تا زیرساخت و بستر مناسب قانونی، آموزشی و فرهنگی اختیار و آزمون توانایی‌های متریان و لحاظ نتیجه این آزمون‌ها را در اجرای برنامه‌های اعتقادی در سطح کلان جامعه فراهم نماید.

ب. جایگاه حکومت اسلامی در اجرای اصل تسامح و تساهل
در اجرای اصل تسامح و تساهل در نظام تربیت اعتقادی، نباید دچار سوء برداشت و اگذاری متربی به حال خود شد (رفسنجانی مقدم و محمدیان، ۱۳۹۵: ۹۶). بلکه باید متناسب با ضرورت‌ها و مناسبات زمانی و مکانی و با لحاظ توان و ظرفیت‌های انواع مختلف متریان، مبتنی بر قاعده «الاسهل فالاسهل»، بسته‌های مختلف را طراحی نمود؛ تا علاوه بر جلوگیری از تضییع فرصت‌ها، تمام ادوار زندگی متربی مشمول تربیت اعتقادی شده و به این ترتیب به اجرای نظام تربیت اعتقادی نائل آمد. از آنجا که والدین و معلمان معمول، اختیارات و توانایی لازم از جمله دانش و بینش، برای طراحی و اجرای این بسته‌ها ندارند؛ ضروری است تا حاکم در تحقق این هدف ورود نموده و با استخدام اختیارات و توانایی‌های قانونی خود از جمله از طریق ساماندهی گروه‌های پژوهشی و اجرایی متشکل از متخصصان و اندیشمندان حوزه فقه تربیتی، بسته‌های متناسب را برای مربیان و متریان طراحی و اجرا نماید.

ج. جایگاه حکومت اسلامی در اجرای اصل رعایت مقررات شرعی
در خصوص ورود حاکم در اجرای «اصل رعایت موازین شرعی در تربیت اعتقادی» باید گفت: در تربیت اعتقادی، بعضی عناوین آشکار و غیر غامض وجود دارد؛ لزوم تأمین زیرساخت‌های اقتصادی و معیشتی، سلامت فضاهای آموزشی و اولویت‌دهی به تکالیف رفتاری و عملی مانند نماز. اجرای این راهبردها نیز در تحقق اصل رعایت موازین شرعی، نیازمند ورود حاکم است.

برای مثال، تحقق اصل رعایت مقررات شرعی، در گرو تأمین زیرساخت‌های انسانی، معیشتی و تربیتی است. حاکمیت موظف است تا تمامی بسترهای لازم در نیل و میل به آموزه‌های نظام تربیت اعتقادی را فراهم نماید که از عمده موارد ضروری آن، اصلاح اوضاع اقتصادی و معیشتی آحاد جامعه اسلامی است. حاکم موظف است تا اوضاع اقتصادی مسلمانان را به نحوی سامان دهد که تحقق نظام تربیت اعتقادی با تمام کاربست‌ها و قوانین آن در جامعه ممکن و میسر شود؛ چرا که در صورت عدم اهتمام به این امر مهم، به حکم روایت شریف «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۶۶/۱۵)، چه بسا متریبانی که در معرض «فقر» قرار دارند و در ورطه «کفر و هلاک» سقوط می‌نمایند.

نتیجه

۱. دانش فقه تأثیر گسترده‌ای در نیل به نظام‌سازی تربیت اعتقادی دارد؛ چنان‌که عناصر نظام تربیت اعتقادی از جمله «مراحل» و «اصول و روش‌های» این نظام از طریق بررسی مجتهدانه و فرافقهی از منابع فقهی به خوبی قابل استنباط است.
۲. از نظام کلان تربیت اعتقادی، دو جزء آن مورد توجه این پژوهش بوده است. این اجزا عبارتند از: «مراحل» و «اصول و روش‌ها». بر این اساس:

- پنج مرحله مختلف برای نظام تربیت اعتقادی از منابع فقهی استنباط می‌شود. این مراحل عبارتند از: مرحله تمهید (پیش

- از تولد)، مرحله تولد تا سن تمییز، مرحله تمییز، مرحله رشد و بلوغ و مرحله پس از رشد.
- در راستای نیل به نظام‌سازی تربیتی، اصول کلی که فعالیت مربی را در نظام تربیت اعتقادی راهبری می‌کند، از دانش فقه قابل استنباط است. برخی از مهم‌ترین این اصول عبارتند از: اصل نظر داشت توانایی و قدرت مکلفان در تربیت اعتقادی، اصل رعایت موازین شرعی در فرآیند تربیت اعتقادی و اصل تخفیف و مسامحه در فرآیند تربیت اعتقادی.
۳. پس از نیل به نظام‌سازی فقهی، حاکمیت جامعه اسلامی موظف است تا از طریق طراحی برنامه‌های کلان و راهبردی، از جمله بستر سازی‌های فرهنگی و اجتماعی، قانون‌گذاری ماهوی و شکلی، اجزای مختلف نظام تربیت اعتقادی را محقق نموده و حرکت کلی جامعه را بر این اساس اداره و راهبری نماید؛ تا بتوان اجزای نظام تربیت اعتقادی را در همه عرصه‌های والد - فرزندی، مربیان، سیاست‌گذاران و مجریان، به واقعیت تبدیل نمود.
۴. از جمله راهبردهای حاکم اسلامی در تحقق و اجرای نظام تربیت اعتقادی عبارت است از:
- انعکاس مراحل و اصول نظام تربیت اعتقادی، با تمام ظرافت‌های خود در قوانین ماهوی و وضع ساز و کارها و تضمین‌های مناسب و مؤثر در این زمینه.
- فراهم‌سازی زیرساخت و بستر مناسب قانونی، آموزشی و فرهنگی اختبار و آزمون توانایی‌های متریبان و لحاظ نتیجه این آزمون‌ها در اجرای برنامه‌های اعتقادی در سطح کلان جامعه در اجرای اصل نظر داشت وسع و توان متریبان.
- طراحی و سامان‌دهی بسته‌های مختلف با راهبردها، روش‌ها، مفاهیم و مفاد مناسب، متناسب با ضرورت‌ها و مناسبات زمانی و مکانی و با لحاظ توان و ظرفیت‌های انواع مختلف متریبان در اجرای اصل تسامح و تخفیف.
- ایجاد سلامت فضاها، آموزشی و اولویت‌دهی به تکالیف رفتاری و عملی مانند نماز، در تحقق اصل رعایت موازین شرعی.
- تهیه و تأمین زیرساخت‌های انسانی، معیشتی و تربیتی؛ خصوصاً اصلاح اوضاع اقتصادی و معیشتی آحاد جامعه اسلامی.

قرآن کریم
نهج البلاغه.

اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.

اسداللهی، طاهره، جایگاه تساهل و تسامح در قوانین حقوقی اجتماعی اسلام، قیسات، تابستان، سال نهم، ۱۳۸۳.
اصفهان، فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

اصفهان، مجلسی دوم، محمداقرب بن محمدتقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

اعرافی، علیرضا، دروس خارج فقه (تربیت اعتقادی فرزندان)، ۱۳۸۸.

_____، تأثیرات فقه بر نظام تربیتی، فصلنامه راهبرد فرهنگ، ش ۳۶، ۱۳۹۵.

_____، روش‌شناسی استنباط آموزه‌های تربیتی در آینه سیره و کلام امام علی *، بی‌جا، بی‌تا.

_____، دروس خارج فقه، فقه تربیتی، <http://www.eshragh-erfan.com>، ۱۳۸۲/۱۲/۱۷.

اعرافی، علیرضا، موسوی، سید نقی، تربیت اعتقادی از منظر فقه، کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۲، ۱۳۹۲.
انصاری شیرازی، قدرت‌الله و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار^ا، موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار^ا، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.

باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۸.

بناری، علی‌همت، نگرشی بر تعامل فقه و تربیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳.

_____، اصول فرزندپروری در سبک زندگی اهل بیت، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، شماره ۱۶، ۱۳۹۴.

جزائری، سید نعمت‌الله، کشف الأسرار فی شرح الاستبصار، قم، مؤسسه دار الکتب، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.

حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مؤسسه آل‌البیت^ا، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

حلّی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، مؤسسه سید الشهداء العلمیه، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.

خمینی، سید روح‌الله موسوی، تحریر الوسيلة، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول، بی‌تا.

داوودی، محمد، تأملی بر هدف تربیت اعتقادی، دوفصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، ۱۳۸۸.

رازقی، هادی، فقه التریبه «تعامل فقه و تربیت»، مجله پژوهش و حوزه، ۱۳۸۱.

رفسنجانی مقدم، مصطفی، محمدیان، علی، نگرشی نو به فقه تربیتی بر پایه فقه القرآن، مجله مشکات، شماره ۱۳۳، ۱۳۹۵.

شریعت‌مداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، فرهنگ علوم رفتاری، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۵.

صدر، سید محمداقرب، اقتصادنا، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

طرقی اردکانی، مجید، کاظمی، سید عنایت‌الله، رعایت توان‌متربی از منظر فقه و تربیت، مطالعات فقه تربیتی، شماره ۲۵، ۱۳۹۴.

طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.

عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، ذکرى الشيعة فى أحكام الشريعة، قم، مؤسسه آل البيت^ا، چاپ اول، ۱۴۱۹ق. — القواعد و الفوائد، قم، کتابفروشى مفید، چاپ اول، بی تا.

عینی زاده، محمد و مودب، سید رضا، نظام سازی در نگاه تفسیری آیت الله خامنه ای، دوفصلنامه علمی پژوهشی قرآن و حدیث، شماره اول، ۱۳۹۶.

قافی، حسین، حدود اختیارات موصی در وصیت درباره صغار، نشریه فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۴، ۱۳۹۶.

قرشى، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق.

متقى هندى، كنز العمال، تحقیق البکری الحیانی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.

محمد عبدالحسین زاده و حسین بابایی مجرد، کشف و فهم الزامات و بایسته های نظام سازی قرآنی در جامعه اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، ۱۳۹۶.

مشکینی (فیض)، علی اکبر، واجبات و محرمات، قم، بی جا، بی تا.

مصطفوی، سید محمد کاظم، مائة قاعدة فقهية، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ چهارم، ۱۴۲۱ق.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، بی جا، بی تا.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴.

ملک زاده، محمد حسین، دروس خارج اصول نظام سازی فقهی، /۱۹۷۹/ news-details/ / vasael.ir/ fa/ http://، ۱۲ / ۲۵ / ۱۳۹۵.

موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، هدایة العباد (للگلپایگانی)، قم، دار القرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

موسوی، سید نقی، بررسی وجوب آموزش استدلالی در تربیت اعتقادی، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۹۱.

میرباقری، عبداللهی و نوروزی، فقه حکومتی از منظر شهید صدر (ره) با مروری بر ویژگی فقه نظامات، فصلنامه راهبرد فرهنگ، ۱۳۹۵.

نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.

واسطی، سید عبدالحمید، نگرش سیستمی به دین، مشهد مقدس، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۸.

The Effect of Jurisprudence in Creating an Ideological Education System with an Approach to "Stages", "Principles and Methods" and "Status of the Ruler"*

Kobrapour Abdullah **
Siddighe Mohammad Hasani***

Abstract

Considering the status of ideological education in the realization of the religious education and nurture, the creation of an ideological education system seems to be necessary. The discipline of jurisprudence plays a critical role in designing an ideological education system by exploring and deducing various elements of this system including goals, principles, stages and areas. By taking a systematic look at the jurisprudential rules and premises particularly those of the educational jurisprudence, we can explore and infer the different segments and elements of this system and then achieve an ideological education system. The present article using a descriptive analytical method infers the stages, principles and methods of the ideological education system with the aim of attaining an ideological education system. In addition, by referring to jurisprudential sources we can explore and infer the general principles which somehow guide the educator's activity in the ideological education system.

Keywords: ideological education, designing educational system, stages of ideological education.

* Date of submission: ۲/۰/۲۰۱۸ Date of acceptance: ۲۰/۶/۲۰۱۸.

** Assistant teacher, department of jurisprudence and law, Imam Sadiq University, Sisters' Pardis (corresponding author) (pourabdollah_k@yahoo.com)

*** PhD student of private law (Mohamadhasani۱۰۰@yahoo.com)